فصل‌های علمی - تخصصی اسلام پژوهان
سال پنجم، شماره هفتم، تابستان 1397

علم آموزی و نقش آن در تکامل انسان از منظر امام صادق ﷺ

محمد باوی پور

چکیده
علم آموزی با تکامل انسان رابطه مستقیمی دارد؛ به گونه‌ای که می‌توان کمال انسان را از این طریق دانسته به این صورت که در پرتو فراگیری آموزش‌های علمی، انسان راه صحیح و مطمئنی را برای رسیدن به کمال می‌یابد. در این مقاله تعریف علم و نیز چگونگی فراگیری و نقش علم در تکامل انسان، از منظر امام صادق ﷺ بیان خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: علم آموزی، تکامل انسان، امام صادق ﷺ.
اهتمام و ضرورت علم آموزی

نشستی مرهقة در تکامل انسان معرفت و شناخت است؛ زیرا شناخت مقدمه‌ی حركت و عمل است. امام صادق (ع) به نقل از رسول الله (ص) نتیجه انجام کاری بدون آگاهی لا زم را چنین بیان نمودند: «من عملی علی‌الله یکان مسیحی آخرتی قطعاً یکی از اینها هر کس بدون علم و آگاهی کاری را انجام دهد، خراب کاری او از درست کاریش بيشتر است».

آن حضرت فرمهودن: «العمل علی‌الله تبصیراً کالشایر علی‌الله الطبق، لا ییید» مزعه‌ی السیری‌ی ای‌یاداً. «کسی که بدون بیش و آگاهی عمل کند، چون کسی است که در بیهکی رود، او هر چه بیشتر بنشابد (از راه اصلی) دورتر می‌شود».

در نگاه امام صادقی بدون معرفت و شناخت، هیچ عملی پذیرفته نیست. حسن صیقل گوید از امام صادقی شنیده که می‌فرمودند: «لا یقال اللّه عمدآً لا بمعطیه ولا معرقة لا یعمال قد عرف دلته المعرقة علی العمل و من لم یعمل فلا معرفة له»، ابن‌الیوان یکی از ایمان، «حداوند هیچ عملی را چی با شناخت نیازی دارد و شناخت جز به وسیله عمل وجود ندارد، هر که شناخت یپدا کند، شناخت او یا به عمل رهنموی کند و کسی که عمل نکند شناختی هم ندارد، هان به راستی اجزاء ایمان از یک دیگر به وجود می‌آیند».

به سبب اهیمت شناخت، امام صادقی تأکید فراوانی بر جستجوی دانش در همه حال نموده است: «طلب العلم شیفتی فی كل حال».

---
1. محمد بن ملکوب کلامی، الکافی، ج 1، ص 44.
2. همان، ج 1، ص 43.
3. همان، ج 1، ص 44.
4. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج 1، ص 172.
علم ادبي ونقش ان در تکامل انسان از منظر امام صادق ﷺ

در نگاه امام صادق ﷺ جستجوی دانش به عنوان یکی از فرائض الهی است. به همراه واجب می‌باشد: «طلبد العلم فریادی من فرآیند الله»، حتی به خطر افتادن جانها و به نفع زیاد، منبع از کسب آن نمی‌شود: «لو علم الناس ما في العلم لطیبه و لو پیشک عید و خوض الیحی»، اگر مردم می‌دانستند آن (سید) را چه در علم و دانش است، هر آن‌ها را طلب می‌نمودند و به دست می‌آورند، اگر چه بر ریختن خون و فرو رفت در آبهای بسیار در دنیا باشد.

میزان ارزش انسان، به اندازه علم اوست. در این باره امام صادق ﷺ خوان و فرو رفت در آبهای بسیار در دنیا باشد.

فرمودند: «آنی ای حدیثی غنی آیه‌ای چنین آنی ی رسل الله صلی الله علیه و آله وداستان: و أكثر الناس قيمة أثثهم علمًا و أقل الناس قيمة أثثهم علمًا».

همچنین فرمودند: «پین جمعیت انوشیبی فیوجی على طالب العلم علیه الجیان فی البغاء»، «تمام جنبی‌شنان زمین برای طالب علم، درود می‌فرستند حتی ماهیان در دریا»، در برخی روایات امام صادق ﷺ انسان‌ها به دو دسته عالم و معلم تقسیم شده‌اند. و کسانی که در این دو گروه جای ندارند با عنوان «همچون» و «غدای» معرفی شده‌اند و مورد مسالمت قرار ندارند. «الناس اللاتین: عالیم ومتعلم و ساکر الناس همچون والهنم في الیحی»، و مردم دو گروه هستند: دانشمند و دانشجو و دیگر مردم.

---

1. همان جا.
2. همان ج، ص 177.
3. محمد بن علی بن بابوه صدوق، معاونت‌الخبراء، ج، ص 4.
4. محمد باقر مجلی، بحار الأواء، ج، ص 173.
5. الهنیم ابیر است از مکس‌های کوکه، چون پیشه‌ی که بر صورت و چشم‌گوش وینا به صورت و اهرامی و در مراسم و طبیعت و ندان از نه گفته‌ی می‌شود. محمد بن ابی پیکر، عالم الفقه، مخترع الصحاح، ص 37.
6. کف، تفائل، آشغال و حوالی به سبب یا خود حمل می‌کنند.
7. محمد بن علی بن بابوه صدوق، الخطابی ج، ص 39.
فاروماهه إند و هورمايگان در آتش هستند. همچنین فرمودند: "الناس ثلاثة عالم و متعلم و عالم." 1 »مردم سه دسته هستند: عالم، متعلم و افراد به مقدار و یکت».

نقش علم آموزی در فردان تکامل

علم آموزی نقش اساسی در تکامل انسان دارد. امام صادق({ف) خواسته خود را از کسانی که توانایی کسب علم دارند پنین بیان فرموده‌اند: «فَنْسَحَ أَجْزَأَ أَنْ أَزْى الْمُعَلِّم مِّنْكُمْ إِلَّا غَايَبًا فِي خَالِقِينِ إِنَّا عَالِمَا مَعْلُومًا.» فإِنْ لَمْ يُلْعَبَ كَيْ مُعْلُوم، فَإِنْ مُعْلُوم ضَيْعَ أَبْ، وَإِنْ كَيْ مَثِيلُ النَّارِ أَلْدَى بِعَدُدٍ مُّخْتَقًا بِالْخَيْثَ».(دوست ندارم جوانی از شما واین بینیم مگر آن که شب را در یکی از دو حال به روز آوردید. یا عالیم باشد یا جوینده علم. اگر چنین نکنید تقصیر کرده‌است و چون تقصیر کند خویشتن تباه ساخته است و چون خویشتن تباه سازد گناه کرده است. چون گناهکار است در دوزخ جای‌گیرد. به خدادی سپگنده که حضرت محمد{ص} را بپنگیخت.)

بر اساس مفهوم مخالف، کسی که در علم آموزی تفریط نکند، خود را تباه نساخته و با کسب علم، راه سعادت را می‌یابد و با عمل به آن به سعادت می‌رسد و این همان کمال است.

1. کسب علم از عالم

اصول در علم آموزی، رابطه با عالم است. در برقراری رابطه با عالم، تکامل ـ نه رشید ـ معنا پیدا می‌کند. علامه مجلی در بحار الأواهر، ۲، باب چهارد: "مذکارة العلم و مجالس العلماء و الحضور في مجالس العلم و ذم مخالفة الجهل" روایتی را آورد. است که نشانگر اهمیت اخذ علم از استاد و عالم است. تعیین‌ایز جمله «خضور مجلس عالم، متشدد عالمی، صاحب العلماء و جالبهم و زردهم فی این بسیهم» "مجالس العلماء، "النظری فی وجه العلماء" و از این دست تعبیر به این مطلب اشاره می‌کند.

۱. محمد بن يعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۴.
۲. محمد باقر مجلی، بحار الأواهر، ج ۱، ص ۱۴۶.
۳. محمد باقر مجلی، بحار الأواهر، ج ۱، ص ۱۹۸–۲۰۶.
علم أموزي و نتش أن در تكامل الإنسان من منظور الإمام صادق

في كند: الإمام صادق في روايات خوود ك نسند أن هناك، بالرسول الله صلى الله عليه وسلم

في فرمايد:

"قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: جلالة أهل الدين شرف الدنيا والآخرة".

"قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: جملة العلماء، عبادة".

"قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: النظر في وجه العالم أعجباً لله، عبادة".

در برخي احاديث، تشويق وب حضور في مجالس علم شهد، هر جندك، صرف حضور باشد، و فرد حاضر فقط شنوئده باشد، و حرفى، را هم به زبان نياورد.

امام صادق في فرمايد: "إن الله غزى و جل يقول في عالمه عند الصراط أهل مجالس الذکر والعلم إلى متناولهم: أکثروا ثواب ما شافتموه من أعمالهم. لينكتنون لکل واحد شواب عبره و يتركون بعض من حضر معهم فلا يكتنونه قول الله غزى و جل: ما لكم ثم تكتنبوا فلاتاً. أم ليس كان معهم وقد شهدهم قولونون يا رب إنه لم يشرك معهم خروج ولا تكذب معهم إكليل، قولونون يا رب، ليس كان جليلهم قولونون بل يأب. قولونون، أكثروا معهم إنهم قولون لا يتلبى بهم جليلهم قولونون معهم".

خداوند عزو جل هنگامی که اهل مجالس یاد خدا و علم أموزي، روانه خانه‌های‌شنان می‌شوند به ملاقاته می‌فرماید: ثوابه که از اعمالشان دیدید بنوپسید. ملاقاته ثواب عمل بعضی را می‌نویسن و برعکس برعکس نیمی نویسنند. خداوند به آنان می‌فرماید: به چه دلیل ثواب عمل برخی را که با آنان بودند و در مجالس آنان حضور داشتند نوشیدند؟ ملاقاته گویند: ای پورودگار آنان حرفی را به زبان نیاردن و صحبتی نکردن. خداوند بزرگ مرتبه به آنان می‌فرماید: آیا هم‌شین

1. همان، ج 1 ص 189
2. همان، ج 1 ص 204
3. همان، ج 1 ص 205
4. همان، ج 1 ص 203
آنان شبند؟ ملایمکه گویند: ای پروردگار حضور داشته‌ندا. خداوند به آنان می‌فرامید: ثواب عمل آنان را به همراه ثواب عمل دیگران بنویسد. زیرا آنان گروهی هستند که به برکت ایشان، همین‌شتیان آنان از همه شفاخورد نمی‌شوند. آن گاه ملایمکه آنان را در زمره این گروه می‌نویسند.

مام صادق! برای اینکه مردم را متوجه عالیان کند و آنان را به عالم شدن سوق دهد با تغابری بلند از این گروه یاد می‌کرد. همانند:

۱- عالیان میراث برآن انبیاء هستند.
۲- مرکب و خامه عالیان از خون شهره‌ان ارجنیت دارد.
۳- از هزار عابد و زاهد برترند.

۴- همچون انبیاء و شهداء، بعنوان شفاعتی کننده مردم در روز قیامتاند.
۵- عالیان به عنوان نگهبانان دین، محضر هستند و فقدان آنان سبب خوشحالی ابیسی را فراهم می‌آورد: «ما مانند آدم‌های موروث از انسان‌های نتیجین اخیر به‌اولیت می‌توان و قیه‌های».

مراجعه به افراد عالم جهت بهره‌گیری از آنان و پروا نکردن از آموختن در محضر ایشان، تاریکی‌های نامه، دانشگاه‌ها و سرگشادگی‌ها وجود شمع آنان از مهربانی روی، عالیان همچون انبیاء هستند که مردم به وسیله آنان راه درست را می‌پیمایند و نیازمندی به آنان دائمی است. ماما صادق! فرمودند: «الا یا یک نژادی، یا یک نژادی، یا یک نژادی، یا یک نژادی، یا یک نژادی، یا یک نژادی...».

1. محمد بن عبوبک کنیی، کالگر، ج ۱، ص ۳۳.
2. محمد باقر مجلی، بحر الألواض، ج ۱، ص ۱۴.
3. محمد بن عبوبک کنیی، کالگر، ج ۱، ص ۳۳.
4. محمد باقر مجلی، بحر الألواض، ج ۱، ص ۱۵.
5. محمد بن عبوبک کنیی، کالگر، ج ۱، ص ۳۸.
6. محمد باقر مجلی، بحر الألواض، ج ۱، ص ۱۴۴.
علم أموري ونقش أن در تكامل أنسان من منظار أئمته صادق

عالمان، ونظفه تعليم را بوعده دارند وتعليمهان به عينو زکات علم برای آنان تلقی می شود از این رو عالمان باید در جهت ان تلاش نمايندند این همان عهد و میثاقی است که خداوند متعال از آنان گرفته است امام صادق

فرموده: ئیفای کتابی على الله تبّغه على الجهل عهدًا يطلب العلم حتی آخذ على العلماء عهده

ینتهی العلم للجهل لأنه العلم كان قبل الجهل.

۱. فتحتکو و مذاکره علمی

۲. مذاکره علمی، در تکامل انسان نقش بسزایی ایفا می کند امام صادق

۳. در اینجا نقل فرموشده: "إن الله عزجو يقول تذكر العلم بين عباده محتاجا على اللوّع السهبة إذا لم الأمهوا فيها إلى آخری و مذاکره علمی میان بدنگان مس در صورتی که به حاکمیت من متها شود باعث زندگی شدن دلهاي مرده می شود.

۴. مذاکره علمی را مایه صفاي دلها و زندگی شدن امر ولايت

۵. دانسته اند: "ثماظوا و تحاذوا العلم فإن يحليبك العقيدة تجليل اللوّع البعثة والحسبيه إخیاء آمنا فرجه الله من أخی آمنا" 

۶. محور احاديث برگزار کنید زیرا با حدیث قلب های زنگ زده جلا می باشد و حکمت ما زندگی می شود پس خدا رحمت کنند آنکه حکومت ما را زندگی کند.

۷. بررسی گری

۸. به سوال کردن از عالم در احادیث امام صادق توجه شده است سوال کردن از راهیه مبارزه با جهل و نادانی و سبب جلوگیری از هلاکت است و امام

صاردق فرموشده: "إنما تحکم الناس لئهما لا يسألون" ظن حضرت فرموشده: "العلم

۱. محمد بن يعقوب کلینی، الكافي، ج ۱ ص ۴۱
۲. محمد بن يعقوب کلینی، الكافي، ج ۱ ص ۴۰
۳. محمد بن يعقوب کلینی، الفتاوی، ج ۱ ص ۳۰۲
۴. محمد بن يعقوب کلینی، الكافي، ج ۱ ص ۴۰
خزانت واقعیت‌خوانی السوال. علم و دانش به منزله انباز [کالاهای مختلف] است و کلیدهای آن‌ها سوال و پرسش است.

۴. کتابت علم

امام صادق(ع) به بیان یکی از شیوه‌های انتقال علم - کتابت دانسته‌ها - اشاره می‌نماید که در مواقعی باید از این ابزار استفاده شود. این حضرت به مفسر می‌فرماشید: «آقای وابسته علمی فی اخوانی قبلاً فرستور کتابت تهیه کن کنیم...» باعث می‌گردد و این مناسب برای پدیدار کتاب‌های خود را به ارث برای فرزندان باریک گذشته، زیرا زمانی پر آشوب خواهد آمد که مردم به جهت جز کتاب نتوانند آنس یابند.

۵. تفکه در دین

از عواملی که انسان را به سمت علم آموزی فرا می‌خوانند و کسب بصرت در دین است و این یک مهم بدون علم آموزی می‌شود.

امام صادق(ع) در تفسیر آیه (والمشْعراً نَبِيّي هم انْغَرُوْن) ۲ و گمراهان از شاعران پیروی می‌کند. در موردند: «هم عصر در نتیجه و تفکه علم فضله و اصل و» این جزئی گروهی این که بدون علم، به تعلیم و تفکه پرداختند، پس گمراه شدند و دیگران را گمراه کردند.

مردی به امام صادق(ع) عرض کرد: مردی است که امر امامت را شناخته و در خانه نشسته و به هیچ یک از برادران دیگری اش آشنای ندارد. حضرت (با...

1. محمدباقر مجلی، بحار الانوار، ج1، ص196
2. محمد بن عقرب کبیر، کالج، ج1، ص52
3. سوره شوراه، آیه ۴۲۴
4. محمدباقر مجلی، بحار الانوار، ج3، ص298.
علم أموزي و نقش ان در تکامل انسان از منظر امام صادق

تعجب) فرمودند: "كيف يتفقه هذا في دينه؟"! "أين مرد جوهره ديش را مي فهميد!"

ابن روايت به وضع نشان مي دهد كه ارتباط جمعي مثبت و استفاده از خرد
جمعي، لازمه شناخت درست از دين است و بر اساس آن انسان در مسير تكامل
خود قرار مي گيرد.

إمام صادق: "عليكم بالتفقه في دين الله ولا تكونوا أعزاءاً إلهياً فمن لم
يتفقه في دين الله لمن ينظر الله إليه باليوم القيامة و لمن يكره الله عملاً.");" بيروسته در دين خدا
ورد از انديشي كيد و همچون اعراب باديه نشين، (انسانان هاي ناگاه و به دور از
مراکز علمي و ديني) نباشيد زيرا آنكه در دين خدا تفقه نكنند خداوند روز قيامت
به او توجه نكنند و هويج عملی از اعمال او را پيراسته و آرائه نمي كند؛

إمام صادق: "ابن هشدار را مي دهد كه اگر كسي اين ويگي تفقه در
دين - را نداشته باشد به سبب نيازمندي به علوم دیگران ممکن است به سامت
مخالفين روی آورد و خود را به آنکه بداند در گمره قرار دهد.

"لا غير فهمن لاي تفقه من أصحابي. يا تشيير إن الرجل منكند إذا لم يستطع يفقهم اختناج
إليهم فإنا احتاج إليهم أدخلوا في نبأ ضلاليهم و هو لا يعلم.");" از أصحاب ما كسی كه
تفقه در دين نداشته باشد هیچ خبري ندارد. ای بشیر اگر شخصی از شما شیعیان
با زرف انديشي دینی خود بی نیاز نشود به مخالفین شما نیاز پیدا می کنند و در
این صورت ارا در حالی که خود متوجه نیست به ضلالنشان وارد می کنند.

1. محمد بن يعقوب کلینی، الكافي، ج1، ص31.
2. همان جا.
3. محمدباقر مجلسی، بحار الأثار، ج1، ص220.
علم آموزی مبتین بر رابطه با عالمان دینی، بهترین نوع علم آموزی و موجب تکامل انسان مسلمان می‌گردد که با به کار گیری ابزار و ایجاد شرایط محقق می‌شود.

اختصاص وقت ویژه به علم آموزی
شناخت به تدریج حاصل می‌شود از این رو بر تداوم در کسب آگاهی و شناخت تأکید شده است تا این راه شخص بتواند به بالاترین قله‌های ممکن شناخت برسد. امام صادق در برخی روایات توصیه به اختصاص ساعتی در روز و شب در برخی روایات جمعه‌ها برای کسب علم کرده است. امام صادق فرمودند: «کان فيما وعظ الفیفاء إِنّهُ قَالَ ۚ أَلَيْنَا لِتَصَبَّعُوا مَثْلَ تَرْكَهُ؟»
آن حضرت از رسول الله (صلى الله عليه و آل‌ه) نقل فرمودند: «أتّزل آیا لا يُقَرَّ نفْسُهُ فی کُلِّ جَمِیعَةٍ اٰمَرِ دَیِّهِ فی مَبْحَاثَةٍ ویسَأَل غَنِّ دیِّهِ.»

---
1. در این رابطه می‌توان به مواردی چون اخذ علم از اهل آن، صبر در فراغتی علم، عمل به علم و از این دست موارد که در کتاب‌های علم و تعلیم و تعلیم است اشاره نمود.
2. محمد باقر مجلی، بحار الأنوار، ج 1 ص 169.
3. در روایتی دیگر لفظ کلیک مسلمان‌آمده است.
4. محمد بن عقیل کلیئی، کافی، ج 1 ص ۴۰.
چکنگی تکمیل انسان از طریق علم آموزی

بخشی از روایات تحت عنوان باب العلم، به موضوع علم آموزی و اینکه
چگونه می تواند انسان را در مسیر تکمیل قرار دهد، پرداخته است.

منظره علم در این روایات چیست؟ علمی که طلب آن در همه حال
واجی است: "طلب العلم فریضة في كل حال" و"مايه از شریعت: "أکثر الناس قیمت.
اکثرهم جهل" و"سعادت انسان است: "لا ينبغي لهم لم يكن غالبنا أن يعقد سعيدا" و"به
عنوان وزیر ایمان عرفی شده است: "نظم وظیفه العلم"، علم دین است. این
بیان در حديثی از امام صادق (ع) این گونه امده است: "العلم أصل كل خالی نسبی و
مبنی طریقه فریضة وذکر النبی (ص): طلب العلم فریضة على كل مسلم ومشیقة
أي علم الفنون وابلیقین". "علم اصل هر مقدم ازشمانده است و حد نهایی هر
جایگاه رفع است. به همین جهت پیامبر اکرم (ص) نویسنده: کسب علم بر هر مرد و
زن مسلمان واجب است و مراد از این علم، علم برهنگی و یقین است".

در رابطه با چکنگی نقش علم در تکمیل انسان بايد گفت که لازم تکمیل
اینکه تکمیل عقلی است و است که در مقدم علم آموزی حاصل می شود. بر عقل از
راه علم آموزی می تواند به آگاهی های لازم درباره دین، به عنوان تکمیل دهد.

انسان که پیوند ناگستندی با عقل دارد بررسی.

1. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج. 1، ص. 172.
2. همان، ج. 1، ص. 164.
3. همان، ج. 1، ص. 164.
4. همان، ج. 1، ص. 164.
5. ن.ک: سید محمد کاظم قزابی، موسوعه امام الصادق (عليه السلام)، ج. 4، ص. 47.
6. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج. 2، ص. 31.
7. موارد دیگری در تکمیل عقلی انسان، دخیل است و در اینجا به اساسی ترین این موارد علم آموزی -

اشتهار شد.
سالم بن جمعة شماره هفتام / تابستان 1397

املام صادق

فر مودند: «من كان عاقلاً كان لله دين و من كان لله دين دخل الجنان».

املام صادق در حديث طولاني بعد از بيان كاردهای عقل به این مطلب اشاره می‌کند که عقل در صورتی می‌تواند كارایی داشته باشد که علم لازم را بتواند کدر تا بدان کارها راه یابد: «إن العاقل لذلالة عقله الذي حنفه الله قوامه و زینتته و هدایته علم أن الله هو الحق و أن الله هو رضی و علم أن بخالدیه محبة و أن الله كرایه و أن الله طاعه و أن الله مفصصة قلب يجل عقله به دلیه على ذلك و علم أنه لا يوجد إليه إلا بالعلم و طلبه و أن أنه لا ينفع بعقله إن لم بصر ذلك علمه فوجب على العاقل طلب العلم و الأدب الذي لا قوام له إلا بالعلم».

"عقله، به راهنماهی عقل خویش که خدا آن را مایه استواری و زینت و
هدایت او قرار داده است پی می‌برد که خدا حق است و پروندگار و پرورش
دهنده او است و پی می‌برد که آفریدگار اور بخشی کارها را می‌پسندید و بخشی را
نمي پسنديد و پی می‌برد که بخشی کارها اطاعت از او است و بخشی دیگر نافرجامی
او است. می‌یابد که عقل وی به این مطالب جز راه علم و آموختن نمی‌تواند
برسد؛ همچنین در می‌یابد که اگر از راه علم به مقصود نرسد، از عقل به‌نهایی
سودی به دست نمی‌آورد.

بر اساس این روایت، ااملام صادق تصريح می‌نمایند که "کاراپی عقل،
درک کلیات است کلایی همچون وجود خدا، تربیت گری خدا و وجود اسور
مجری و مکروه خواهد. درک چه صورتی چیزی محبوب خدا است و چه چیزی
مکروه و نابنیست خدا می‌باشد. کار عقل نیستس به حکم خود عقل، دانش تفصیلی
به این مصادیق لازم است و این دانش از راه تحصیل علم و شرعی حاصل
می‌گردد.

1. محمد بن عقیق کلبی، الفنی، ج 1، ص 11.
2. محمد بن عقیق کلبی، الفنی، ج 1، ص 29.
علم أموزي ونقص ان در تکمیل انسان از منظر امام صادق ﷺ

همچنين فرمودند: "كثيراً النظر في العلم يفتح العقل" و فلاح و رستگاري انسان را در گرو تعقل در سايه علم أموزي محقق مي دانستند: "يا معطي لا يفعن لا يقفل و لا يقفل من لا يعلم". بر اساس اين روايات امام صادق ﷺ اعلام مي نمایند تکمیل جامعه از راه بالا بردن صفح تعقل بر اساس علم أموزي است و تهذيب نفس نيز از علم. حاصل مي شود. پي بردن به اهميت اين مسئله از آنجا روشين مي شود كه درياييم تمامى مرارىها و دوبارى های انيضاء و ائمه معصومان ﷺ در نتيجه جهيل مدرم جامعه بوده است. امام صادق ﷺ اين مطلب را در زيارت اربعين أمام حسين ﷺ تبين مي نماید: "بذل مهتجعته فيك ليستندق عبادك من الجهالة وخيبة الفضلاء " و خوان پاکت را در راه تو به خاک میرخت تا بتدگانت را از جهلت و حيرت گمراهی نجات دهد.

نتيجه اين مبحث چنين شد كه:
1. تعقل مياني فلاح و رستگاري است.
2. شكوفایي عقل در سايه كسب علم است.

باید دانش دين الهى و معارف آن را از اهل آن فرا گرفت و عقل را، برای شناخت حققيات هاي علمي و عملى و سلوکي دين، با آن دانش نيرومند ساخت و با يپروي از آن دانش، راه تکمیل را پمود.

1. محمد باقر مجلسي، بحار الانوار، ج 1، ص 159.
2. محمد بن يعقوب كنبني، الكافي، ج 1، ص 126.
3. محمد بن حسن طوسي، مصباح المهجد، ص 178.
رابطه میان علم و عقل

رابطه میان "علم" و "عقل" چگونه است؟ برخی از روایات مسیحیان که میان "علم" و "عقل" رابطه متقابل پیچار است و عقل عامل تکامل انسانی شمرده شده است و آن را به عنوان راهنمای انسانی معنی می‌کنند.

درخواست رابطه علم و تکامل انسان، روایات قابل توجه وجود دارد. امام صادق می‌فرماید: "و عادت‌های انسان اغلب عقل و عقل بیشتر عقل است و عقل بیشتر عقل است و عقل بیشتر عقل است...". «عقل» می‌توانست به طور مستورانی انسان است و زیبایی و فهم و حفظ و علم، همه از آن، نشات می‌گیرند و به وسیله آن، انسان تکامل می‌یابد و راهنمای دیده‌بان و نماینده جویباری‌ها انسان است.

امام صادق در رابطه با تأثیر علم بر عقل می‌پوستد: "کشوره‌النظریه‌العلم یقیناً علمی است در این دو روایت به رابطه متقابل علم و عقل اشاره شده است و از آنجا که هر دو با هم در تکامل انسان نقش آفرینی می‌کنند، لزوم با هم بودن آن دو در کار انسان نمایان می‌شود; همچون دو صندلی که انسان برای پرداختن آنها نیاز دارد زیرا بسیاری عالمانی که به سبب جهل (در مقابل عقل) به هلاکت رسیده‌اند بنابراین علم در اسلام آن گاه ارزش می‌شد است که به مکمل عقل، هدایت را به همراه داشته باشند.

در روایات، گاه "جهل" در مقابل "علم" قرار گرفته است و گاه در مقابل "عقل" قرار گرفته است و گاه در مقابل علم، نظر به علم و معارفی است که انسان را به مبدا و مقصد خود آشنا کرده که در واقع ضروری ترین معارف مورد نیاز انسان است.

انسان با را بداند چگونه بیدار می‌گردد و هدف از آفرینش او چه بوده است؟ و چگونه به فلسفه آفرینش خود بررسد؟ چه خطره‌ای می‌پذیرد؟ چه هدفی می‌کند؟. جهل

1. ن. ک: محمد بن جعفر کلینی، کافی، ج1، ص10، 29، کتاب العقل و الجهل.
2. همان، ج1، ص1 ص 25.
3. محمدباقر مجتهد، بحار الزمان، ج1، ص1 ص 159.
علم آموزی و نشان از در تکامل انسان از منظر امام صادق ﷺ

به این معناست که جامعه انسانی را در معرض دشوارترین مصائب و شرور قرار می‌دهد و از این رو عدم العلم برای است با جهل و جاهل در اینجا به عنوان داراد. آن چیزی که جهل در مقابل عقل قرار می‌گیرد جهل آمری و وجودی است نه عقل. در واقع همه زشتی‌های اعتقادی، اخلاقی و عملی قرار می‌گیرد. هر چنین اسلام با جهل در مقابل علم به شدت مبارزه می‌کند لیکن خطرناک ترین جهل از نظر اسلام، جهل در مقابل عقل است و تا این جهل ریشه کن نشود، ریشه کن دندان جهل در مقابل علم، برای جامعه سود اساسی در بزرگ‌ترین نواحی داشت. اگر کسی از بزرگ‌ترین دانشمندان روزئ زمان بود، دانش او زمینه براش سود دارد که سبب هدایت شود در غیر این صورت به تعبیر قرآن (و افضل الله على علم) می‌شود. بنابر این نظر عقل به عنوان تکامل دهنده انسان به شمار می‌رود و به سبب آن بهشت و رضای خدا رحمان کسب می‌شود و اهمیت ویژه دارد.

ضوابط علم آموزی

مواد متعددی را می‌توان بر اساس روایت به عنوان ضوابط علم آموزی برمورد از جمله عمل به علم، تواضع و فروتنی نسبت به استاد صبور در راه علم، غجب نداشتن، دوری از جدال و مراو... اخذ علم از صاحبان علم از مهم‌ترین این ضوابط است.

1. محمد بن عقیقی کلینی، الكافی ج 1، ص 112-113، ح 12
2. جائیه 112.3
3. محمد بن عقیقی کلینی، الكافی ج 1، ص 111، ح 11، ص 3، شخصی از امام صادق عليه السلام برپسند عقل چیست؟ قروموده: چگونه است که به وسیله آن خدا پرستش شود و بهشت بدست آید.
هر امری زمانی نتیجه بخش خواهند بود که از چارچوب و ضوابط آن خارج
نشود. به بیان دیگر هر امری در مجاری اصلی خودش تحقیق می‌یابد و این همان
سنت الهی است که بر تمامی امور حاکم است. موضوع علم و علم آموزی نیز از
این قاعده مستثنی نیست. یعنی برای طی راه تکامل در فرا آیند علم آموزی، ناگیر
بايد به ضوابط آن عمل شود.
در اینجا آنچه در متن روایی در خصوص اخذ علم آن یک آمده است

بیان می‌شود:

لازم مراجعه به عالم و اخذ علم از او که علم را در رسالت اصیل و درست
آن ـ زدودن جهد و نه در جهت خواسته‌ها و تمایلات نفسانی ـ به کار می‌برد به
این جهت است که انسان را به آنچه مطابق با مراد الهی است می‌رساند، و ما به
رشد و تکامل از فراهم می‌کند از این رو انتوه اطهار. ضمنی سفارش به علم
آموزی، اخذ علم به شیوه درست را سفارش می‌کند. فراگیری علم از اهل آن در
روایات مورد توجه است، با پروری از دانش اهل علم ـ امینان علم ـ راه تکامل
پیموده می‌شود.

امام صادق (ع) لزوم هوشیاری به این مهم را تذکر می‌دهد و تنبه راه
انحراری تکامل انسان را، عنصر «آگاهی و شناخت کافی از گیرنده علم» معرفی
می‌کند: مبنا قائل الله ﷺ: "من فی ظن الله ﷺ پیام سباع من عالم صواب أئزه موسیة لله ﷺ لتقوم عینا و من أقدی
سماعا من غير الباب الذي فتحه الله ﷺ به محفوظ و جمل الباب هو الأفایين المأمون
على مبنا الله ﷺ المكتبن". [استند الهی چنین است که] هر کس به خداوند به غیر از
شکندرن از عالمی و استناد به ایهام آورد، خداوند تا پابان عمر را دچار سرگردانی

1. ن. ک: محمد باقر مجلی، بحار الأئل، ج. 3، ص. 81. باب مینمی جوز اخذ علم مته و من لا یجوز.
2. "العقلاء" امام: محمد بن عقاوب کنی، الكافی، ج. 1، ص. 23.
3. محمد باقر مجلی، بحار الأئل، ج. 2، ص. 105.
علی‌امامی و نقش آن در تکامل انسان از منظر امام صادق (ع)

و حیرت در دین می‌کند. کسی که بگوید از غیر آن دری در خداوند آن را برای مرد گشوده است گوش به سختی داده است، پس امکان گردید هم و آن در گشوده شده از جنب خداوند، دری امن و مطمئن بر سر نهفته الیه است.

حضرت در ذم تقلید و نهی از متابعت یا چون و چرا از صاحب هر حرف و لزوم تمسک به کتاب و سنت و جوی رجوع به شایستگان فرمودند: «من دخ‌من دخ‌من، در این الیه و هم‌مانند او آن ایف را و آن در آورده‌اند، او را از آن دین در آمده، کوه‌ها زائیل و نابود شود پیش از آنکه دین‌داری او زائیل شود»، از این روایت این نکته دریافت می‌شود که نبیت و پایداری در ابینس در بی‌گران و صلح علم از آن است.

در هر روزگاری عده‌ای سوء استفاده گر، برای نیل به اهداف خود هم‌واره با وارد شدن از این راه ضریب‌های به عظیم در نظر دارند، به عنوان نمونه می‌توان به فرقه و همایش اشاره کرد که به نوعی در اثر عقاید این تیمیه، سئول‌گرفت و در دوره‌های بعد آثار مخرب این تفکرات ناصره توسط دیگران ادامه یافت و در واقع می‌توان گفت یک «أندیشه نادیده» که از سوی نا‌اندازه‌کننده به قرآن و سنت صحیح نیروی و علمی تریب می‌شود. نه تنها شیخ‌هایی همچون محمد بن عبدالوهاب را شکل می‌دهد بلکه عده‌ای با لباس دین و پیش‌پرده به‌پایه به‌نام آن احتراف می‌کشانند.

یکی در زمینه هوش، حضور در حضور چنین می‌فرمازند: «فقط آن من که از نظرنگ‌های صادق این‌گونه خلافاً اخلاقی مخالفانه را را به‌طور مطبوع ولی‌معلوماً آن وقت‌ها و دلیل نیست که آن‌ها در این‌جا می‌باشند.»

1. همان جا
بغض تفتّهاء الشیعة لا جیبیت‌نوم ۱ «هر کس از فقهیان که نفس خود را با ساده و دین خود را حفظ کند و به مخالفت با هواهای خوشبین برخورد و فرمان خدادی را اطاعت کند، بر عوام است که از او تقید کند. این چنین کسی تنها برخی از فقهیان شیعه و نه همه آنان می‌باشد.»

مسئله مهم‌دیگر در این رابطه، یچ برآورده عرفان‌های کاذب و در حال گسترش است. صاحبان ابن‌کونه عرفان‌ها به جهت محدودیت در شناخت، در صدد بیان مطالبی هستند که به تعبیر قرآن کریم (ویتال‌گونان می‌یسوسوم ولایت‌نوم) ۲ است.

امام صادق در خصوص آن (الخدا آن‌هایی که خود را می‌لغیت و زناپات‌آن با بی‌دوین اللیته) ۳

«ایتان دانش‌مندان و راهبان خود را به جای خدا به الوهیت و عفونتهای گرفتنده‌ی مسئولیت نمی‌دهند.» می‌فرمایند: 

«آما و اللیته می‌دهند، گردیده‌ی عیان‌های آن‌ها، ولی دعوی‌های ما، آنان بی‌خیالند و کمک‌ها در آن‌ها دیده‌ی خیلی زیادی و خرمت‌هایشان علی‌هم خلاف‌های فی قدرت‌های آن‌ها، به خدا نمی‌یسردند.» ۴ به خدا که عالی‌الاسلام به‌مردم را به پرستش خود خوانده‌دارند و اگر به پرستش خود می‌خوانند مردم به‌چنین‌نمی‌شنند، بلکه آنان حرام را بر ایشان خاللا و حالا بر ایشان حرام کردند؛ این بود که آن مردم ندانسته، چیزی و راهبان را پرستند (و حکم غیر خدا را اطاعت کردن).»

این حديث سازندگی تصريح می‌نماید که بعید و بپرورد از هر قانونی، به منزله پرستش آن است. بنابراین هر کس از قوانین غیر الهمی پروردی کند، چنان است به خدا را پرستیده و در برای غیر خدا سرفرود آورده است و این شرک است. عالی‌الاسلام یکی از حکمیکه غیر از حکم خدا را بگویند داخل در همین

---

1. احمد بن علی طبری، الاحتجاج على أهل اللجاج، ج ۳، ص ۴۵۸.
2. توحید/۱۰۴
3. توحید/۳۱۱
4. محمد بن بقیوق کتبی، الكامل، ج ۱، ص ۵۷.
علی اموزی و نطق ای در تکامل انسان از منظر امام صادق

مقوله‌است، از این رو به‌خیال از این عرفان که ادعای قرب و کمال طلی دارند و آن را مستممسکی برای پایه‌های بهداشت‌های خود قرار دادن‌د و سعی در جهت به اصطلاح اعتلاع روحی! پیروان خود دانست، عقایدی را ترویج می‌کنند که نتایج زیان‌باری‌ها را بر فرد و جامعه تحمیل می‌کنند؛ آموزه‌هایی چون عزلت گزینی، رهبانیت، صوفی گری و بسیاری از عقایدی که فرد را در انزوا قرار می‌دهند ریشه در عرفان کاذب دارند و در نتیجه سرسردگی به گفته‌های کسی‌ای است که به هیچ عنوان، نقش‌گری نمی‌کند. علم از آنان وجود ندارد.

آموزه‌های اسلامی با ارائه‌های هرکاره‌ای مناسب در جهت تکامل حقيقی انسان، همواره سعی در براندازی عقاید و باعث‌های اینکه افراد این‌را از این رهگذر مردم به وسیله هم‌اندیشی و دانش اندوزی و تفکر در دام اینکه افراد نیافتنده و با پیروی از آنان موجب هدف اسلام نشوند. امام صادق: «من مسمیه‌ای صاحب بی‌رقه و فوره‌ها فقد مسمیه‌ای فداهیش قسمت‌های عملا و لیکن نمی‌توان یکی که به سوی صاحب بدعت و آبن نورود و اروه‌ها تعظیم نماید و در بهداشت و سلامت و مردم کی زیاده و امام‌گام بردیسته است.»

1. محمدی‌ها حکیمی، حیات، ج 1 ص ۴۰۰.
2. محمدباقر مجئیدی، بحار الانوار، ج ۳، ص ۳۰۴.
نتیجه‌گیری

با توجه به هدف ترسیم شده از سوی خالق انسان - تکامل - بايد برای رسیدن به هدف از سنت و سيکي تبعيت نمود كه خالق برای بشار قرار داده است و آن جز راه تعلم نیست و دسترسی به اين دو گوهر حاصل نمی‌شود. جز به رنگ شیرین علم آموزی آن هم به شیوه درست و اخذ آن از عالمان ربانی برای تحقق هدف ترسیم شده از طرف خداوند. زیرا در فرآیند چنين علم آموزی غفلت شکوفا می‌شود و تکامل انسان را فراهم می‌سازد.
فهرست متابع

1. حكيمي، محمد رضا و دیگران، الحياة، ترجمه احمد آرام، قم: دیل، 1386 ش.
2. رازی، محمد بن ابی بكر بن عبد القادر، مختار الصحاح، ضبطه و صححه احمد شمس الدين،

بیروت لبنان: دار الكتب العلمیة، 1415 ق.
3. ری شهري، محمد، میزان الحکمة، ترجمه حمید رضا شیخی، قم: دارالحديث، 1383 ش.
4. صدوق، محمد بن علی بن الحسن بن بابیه الکیم، الخصائصی، صححه و علیه: على

أکبر الغفاری، قم: مؤسسه نشر اسلامی، 1363 ش.
5. صدوق، محمد بن علی بن الحسنین قمی، معانی الأخبار، مترجم عبد العلی محمدی

شاهرودی، تهران: دار الكتب الإسلامیة، 1377 ش.
6. طبرسی، ابو منصور احمد بن علی بن ابی طالب، الإحتجاج على اهل الاجتاج، مشهد:

مرتضی، 1373 ق.
7. طوسی، محمد بن الحسن، مصباح المحتشد، بیروت لبنان: مؤسسه فقه الشیعة، 1311 ق.
8. قزوینی، السید محمد کاظم، موسوعة الامام الصادق، قم: ابناه المرحوم القزوینی,

1430 ق.
9. کلیانی، محمد بن بعقوب، الأصول من الكافی، قم: ل و علیه: على أکبر الغفاری، تهران:

اسلامیه، 1362 ش.
10. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، بیروت لبنان: مؤسسه الوفاء، 1347 ق.